



ناترازی در جنگ وجودی

تکلیف جامعه‌ی نخبگانی حزب‌اللهی در جنگ شناختی چیست؟

سعید فیض عارفین



«جمهوری اسلامی از توانمندی‌های نظامی و دیپلماتیک در رقابت با گروه متخاصم برخوردار است؛ اما در مهم‌ترین بُعد جنگ یعنی لایه شناختی و همراه سازی جامعه مدنی به مثابه صحنه اصلی جنگ شناختی با گفتمان خود، به صورت جدی از ناترازی رنج می‌برد.»

در رقابت با گروه متخاصم برخوردار است؛ اما در مهم ترین بُعد جنگ یعنی لایه شناختی و همراه سازی جامعه مدنی به مثابه صحنه اصلی جنگ شناختی با گفتمان خود، به صورت جدی از ناترازی رنج می‌برد.

در خصوص عملیات اخیر دشمن و پدافند نظام در برابر آن، سخن بسیار است. هر کدام از وجوه شناختی، اطلاعاتی، نظامی و... این عملیات، نیازمند آسیب شناسی است ولی نگارنده و مخاطبان این یادداشت در تداوم این وجوه کنشگر نیستند و نمی‌توانند باشند. از آنجا که «جهاد تبیین» فریضه فوری و قطعی جامعه مدنی در تقابل با لایه شناختی جنگ است، اجازه دهید در سطور پایانی بر این موضوع تمرکز کنم.

مشاهدات میدانی و مطالعه گزارش‌ها نشان می‌دهد که دشمن در عملیات اخیر خود، صحنه را به گونه‌ای طراحی کرده است که اذهان مردم ایران گزاره‌های زیر را به عنوان واقعیت تلقی کنند:

- ظرفیت داشتن پهلوی به عنوان جایگزین دائمی یا موقت برای گذار از جمهوری اسلامی.
- ممکن بودن براندازی جمهوری اسلامی در مقطع اغتشاشات یا در آینده‌ای نزدیک.
- ارجحیت حاکم بودن هر وضعیتی بر ایران نسبت به استمرار حاکمیت جمهوری اسلامی.
- کشتار تعمدی معترضان توسط جمهوری اسلامی با هدف حفظ بقا.

- کاذب بودن جمهوری اسلامی در ارائه روایت و آمار از خدادهای میدانی در جریان اغتشاشات.
- تاریک بودن آینده با فرض تحقق هر سناریو متصور برای ایران پس از این اغتشاشات.

با در نظر گرفتن این گزاره‌ها، تکلیف قشر نخبگانی جامعه حزب‌اللهی در سطح خرد با پاسخ به این سوالات اساسی تعیین می‌شود: یک، چه پیام‌ها یا کنش‌هایی باید در ساحت جامعه مدنی تولید یا اقدام شود تا بطلان انگاره‌های فوق اثبات گردد؟ دو، این پیام‌ها یا کنش‌ها را چگونه می‌توان به سمع و نظر قشر خاکستری جامعه ایران، به‌ویژه جوانان و نوجوانان رساند؟ اما در سطح کلان، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از ظرفیت افشار مختلف جامعه به صورت حداکثری در تحقق هدف خروج نیروهای تروریستی آمریکا از منطقه، بهره برد؟ نشریه وزین رسش یا دبیرخانه میقات می‌تواند دبیرخانه‌ای موقت برای گردآوری پاسخ‌های اهل فکر به این پرسش‌ها و چاپ ویژه‌نامه‌ای در این خصوص باشد.

همه چیز از روزی روشن شد که ایالات متحده، حاج قاسم را به شهادت رساند. انجام آن ترور، مشابه بمباران فرودگاه مهرآباد در ۱۳۵۹/۰۶/۳۱، آغاز جنگی همه‌جانبه میان جمهوری اسلامی ایران با گروهی از کشورهای متخاصم به رهبری ایالات متحده و مباشرت رژیم صهیونیستی بود. جنگی که در آن، هدف متجاوز، براندازی جمهوری اسلامی یا ایجاد تغییر اساسی در آن به گونه‌ای است که هیچ خطری را متوجه ماهیت و منافع گروه متخاصم نکند. پس از شروع جنگ، امام حاضر، خروج نظامیان تروریست آمریکایی از منطقه را به عنوان تنبیه متجاوز، هدف‌گذاری کرد. از آن زمان تا کنون، دو طرف عملیات‌های مختلفی را اجرا کرده‌اند؛ عملیات‌هایی که ذیل جنگی ترکیبی با ماهیت‌های متنوع شناختی، اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی، سایبری، فرهنگی، حقوقی و... طرح‌ریزی شدند.

در چارچوب تحلیلی فوق، رخدادها: اغتشاشات سال ۹۸، اغتشاشات سال ۱۴۰۱، عملیات طوفان الاقصی و امتداد منطقه‌ای آن، سقوط بشار اسد، عملیات‌های وعده صادق، جنگ ۱۲ روزه، اسنپ‌بک و در آخرین مورد، اغتشاشات دی‌ماه، عملیات‌های طرفین در راستای رسیدن به اهداف تعیین شده بوده‌است.

حال از شما می‌خواهم اتفاقاتی را که به ترتیب یادآور می‌شوم در قالب آفند و پدافندهای دو طرف این جنگ در ذهن‌تان مرور و به ماهیت هر کدام از آن‌ها توجه کنید: شروع کمپین فشار حداکثری ترامپ علیه ایران، ورود ایران به فرایند مذاکره غیرمستقیم با آمریکا، قطعنامه شورای حکام علیه برنامه هسته‌ای ایران، جنگ ۱۲ روزه، تلاش رهبر حکیم انقلاب بر حفظ و تقویت انسجام ملی و اعتماد مردم به مسئولان از لحظه توقف آتش تا کنون، اتخاذ سیاست ابهام هسته‌ای توسط ایران، توافق قاهره، ادعای اعمال اسنپ‌بک، خروج ایران از توافق قاهره، بیانیه مشترک چین، روسیه و ایران مبنی بر غیرمشموع بودن اسنپ‌بک و ممانعت از شکل‌گیری سازوکار اجرایی برای آن، تشدید تحریم و توقیف نفتکش‌ها و ایجاد اختلال در چرخه ورود ارز به ایران توسط ایالات متحده و نهایتاً تبدیل اعتراضات اقتصادی مردم به اغتشاشات خونبار و براندازانه.

در جنگ همه‌جانبه، هر طرف که در ظرفیت‌سازی و بسیج امکانات برای به‌کارگیری در جبهه‌ها موفق‌تر عمل کند، پیشروی بیشتری در میدان نبرد خواهد داشت. دقت در ابعاد و میزان موفقیت دو طرف در هر کدام از مواضع فوق، نگارنده را به این باور رسانده است که جمهوری اسلامی از توانمندی‌های نظامی و دیپلماتیک

تربیتی

برای ابوذر ساختن طوری دیگر باید دید....

صفحه ۲

ستون : رشحه‌ای از گفتار ماه

انقلاب اسلامی

بعثت دوباره

صفحه ۳

از طلوع اسلام تا غروب نظم آمریکامحور

ستون : کلام آقا

زیست شهید

طلبه طالب شهادت

صفحه ۴

روایت زیست و سلوک طلبی شهید میلاد میداودی

ستون : معرفی کتاب

این شماره از نشریه تقدیم می‌شود به روح بلند

شهید میلاد میداودی



مدیر مسئول: محمدحسین حبیبی
سردبیر: حمیدرضا رجبی

تحریریه: سعید میرعارفین، علی اسماعیلی،
علی طهرانی، مهدی چهارلنگی

صاحب امتیاز: دبیر خانه میقات

برای ابوذر ساختن طوری دیگر باید دید...

نکاتی بیرامون تربیت نوجوان امروز برای مصون سازی از القانات دشمن در فتنه‌ها

علی اسماعیلی



«اگر کسی با معیارهای درست و نگاه دقیق با نوجوان امروز مرتبط باشد، این سخن حضرت آقا را تصدیق می‌کند که نوجوان و دانش آموز امروز، ایمانی به اسلام و انقلاب در دل او جوانه زده است که در اعتکاف‌ها، محرم‌ها، اربعین‌ها و تشییع جنازه‌ی قاسم سلیمانی‌ها خود را نشان می‌دهد. این را تصدیق می‌کند که ذهن تحلیلگر دانش آموز امروز بسیار قوی‌تر از دانش آموزان گذشته است.»

۱. ضرورت نگاه ظرفیت‌شناس به نوجوان امروز
ورود به عرصه‌ی تربیت نوجوان در جامعه‌ی امروز نیازمند یک انگاره و پیش‌فرض است که بدون آن، قطعاً در تربیت به نتیجه نخواهیم رسید. این پیش‌فرض، نگاه درست و ظرفیت‌شناس به نوجوان است. تا زمانی که نگاه ما این باشد که نوجوانان امروز به دور از حقیقت ایمان و در مسائل سیاسی منحرف‌اند، نمی‌توان با آن‌ها ارتباط تربیتی مؤثر برقرار کرد. در حالی که اگر کسی با معیارهای درست و نگاه دقیق با نوجوان امروز مرتبط باشد، این سخن حضرت آقا را تصدیق می‌کند که نوجوان و دانش آموز امروز، ایمانی به اسلام و انقلاب در دل او جوانه زده است که در اعتکاف‌ها، محرم‌ها، اربعین‌ها و تشییع جنازه‌ی قاسم سلیمانی‌ها خود را نشان می‌دهد. این را تصدیق می‌کند که ذهن تحلیلگر دانش آموز امروز بسیار قوی‌تر از دانش آموزان گذشته است. اصلاً همین ظرفیت اوست که قوت و کار جدی ما را در ارتباط با او می‌طلبد، ولی ما به دلیل ضعف خودمان و زحمتی که دارد، عطایش را به لقایش بخشیده‌ایم. در حالی که بیانات حضرت آقا در ۱۳ آبان ۱۴۰۱ این بود: «نوجوان امروز، برخلاف نوجوان قدیم، یک عنصر بالغ و عاقل است ... نوجوان امروزی فکر می‌کند، تحلیل می‌کند، تحلیل را درست می‌فهمد، نکاتی به نظرش می‌رسد.»

۲. تربیت مبتنی بر ایمان ابوذر‌ساز با تأکید بر معارف اصیل

اگر محور همه‌ی فعالیت‌های تربیتی ما، به تعبیر حضرت آقا در دیدار عید مبعث، پرورش ایمان ابوذر‌ساز باشد، برنده‌ی این میدان ما خواهیم بود. ایمانی که در دل نوجوان جوانه زده را باید پرورش داد و ریشه‌ی آن را آنقدر مستحکم کرد که در هیچ شبهه‌ای نلغزد و استحکام ایمان، به پشتوانه‌ی بینشی آن است که هرچه معرفت انسان بیش‌تر، استحکام ایمان او بیشتر. ایمان ابوذر‌ساز، ایمان متکی به معارف اصیل است که در طوفان فتنه‌ها هم خواهد ایستاد. باید بینش‌های متقن را به نوجوان امروز تزریق کرد که قوت ایمانش، او را مصون بدارد و تا زمانی که محتوای ما از مطهری‌ها، مصباح‌ها و دیگر اندیشمندان اصیل نباشد، ایمان‌ها در فتنه‌ها متزلزل خواهد ماند.

بنابراین، مصون‌سازی نوجوانان و دانش‌آموزان را باید در تربیت مسلمان آگاه و تبدیل جوانه‌ی ایمان او به ایمان ابوذر‌ساز دنبال کرد. کاری که جز با اصلاح نگاه ما به نوجوان امروز، ایمان و ظرفیت او و البته تغذیه از متفکرین مورد تأیید و اصیل انقلاب اسلامی محقق نخواهد شد.

انسان‌ها گاهی به آسیب‌هایی درونی پی می‌برند و برای رفع آن تصمیم می‌گیرند، اما با گذشت زمان در میان روزمرگی‌ها، آن را فراموش کرده و آسیب دوباره تکرار می‌شود. این فرایند را می‌توان در عرصه اجتماعی، در جبهه انقلاب نیز مشاهده کرد. مثلاً هر بار در موسم انتخابات، از این‌که ارتباط ما با مردم فقط به هنگام رأی‌گیری محدود می‌شود ناراحتیم، اما پس از انتخابات از مردم غافل شده و تا انتخابات بعدی، آن‌ها را رها می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های گرفتار این غفلت، مسئله‌ی نوجوانان و دانش‌آموزان است؛ کسانی که در زمان فتنه‌ها در معرض القانات دشمن قرار می‌گیرند. حضور قابل توجه نوجوانان در اغتشاشات سال‌های اخیر، در حالی موجب نگرانی است که معمولاً پس از فروکش کردن بحران، این دغدغه به فراموشی سپرده می‌شود. البته گروهی از فعالان انقلابی به این عرصه وارد شده‌اند و بعضاً موفق نیز بوده‌اند، اما تا زمانی که عمق و اهمیت موضوع به فهم همگانی نرسد و مسیر حل مسئله تبیین نشود، این چالش همچنان پابرجا خواهد ماند. به‌طور کلی، کسانی که هنوز در این میدان ورود نکرده‌اند، به سه گروه قابل تقسیم‌اند:

گروه نخست، مسئولیت را از دوش خود برداشته و مشکلات را کاملاً بر عهده‌ی حاکمیت می‌دانند. آنان می‌گویند: «تا وقتی اینستاگرام و فیلترشکن هست، یا آموزش و پرورش اصلاح نشده، وضعیت تغییری نمی‌کند». هرچند بخشی از این سخنان درست است، اما راه حل اصلی در جای دیگری نهفته است.

گروه دوم، وظیفه را متوجه خود می‌دانند، اما وضعیت نوجوان امروز را مانع از هرگونه تأثیر می‌دانند. نوجوان امروز را یک دانش‌آموز به‌دور از هرگونه تعلق خاطر و ایمان به اسلام و انقلاب می‌بینند که نمی‌توان با او گفت و گو کرد و به تفاهم رسید.

گروه سوم اما تأثیرگذاری را ممکن می‌دانند، ولی پایداری آن را ناممکن؛ چرا که معتقدند القانات دشمن در آینده، اثر کار تربیتی را خنثی خواهد کرد.

راه حل چیست؟

در مقابل این سه نگاه باید گفت که هم حل این مسئله بر عهده‌ی تکتک ماست و هم تربیت اثرگذار ممکن است؛ حتی می‌توان از نوجوان امروز مدافعی آگاه و حتی مهاجمی علیه مبانی دشمن ساخت. برای تحصیل این امر، دو مبنای کلیدی لازم است که بدون آن‌ها در دام یکی از سه نگاه پیشین می‌افتیم:

فرصت‌شناسی حریصانه از زمان‌های ملکوتی

فضای ماه رجب یک نورانیت و حلاوتی دارد. لحظه‌ها و ساعت‌هایش غنی شده از کرم حضرت حق و فیض ربوبی است. خیلی باید قدر دانست. این‌ها پنجره‌هایی هستند به عالم معنا و عالم ملکوت. ملکوت زمان یکی از بحث‌های مهم و حیاتی است. راه یافتن به ملکوت زمان یکی از اسرار سالکین است که بتوانند از آن باطنی که خداوند برای زمان قرار داده و آن ظرفیتی که در ملکوت زمان هست، رزق معنوی خود را دریافت کنند و ثروت معنوی خودشان را گسترش بدهند. مواجهه ما با یک همچین فرصت‌هایی باید حریصانه باشد. اگر مواجهه ما مواجهه معمولی باشد، بعداً حسرت می‌خوریم. شما کسانی که دنبال دنیا هستند دیدید؟ باید از این‌ها یاد گرفت. فقط تمرکزشان روی به دست آوردن است. این حرص و طمع در آنها خیلی جلوه دارد. خب بعدش چه؟ آخرش هم پوسیدن و تمام شدن است. اما این طرف ماجرا به بازاری برپاست و منافع جاودانی و پایدار در آن هست. بازار ماه رجب بازار کالاهای ماندگار است. لذا این جا انسان باید حرص و طمع را از اهل دنیا نسبت به این بازار لاینفد و تمام نشدنی یاد بگیرد.



کلام آقا

به مناسبت چهل و هشتمین پیروزی انقلاب اسلامی

ملت ایران به آن کسی که طمع داشته باشد و حمله بخواهد بکند و اذیت بکند، مشّت محکمی خواهد زد.

این که می‌بینید گاهی صحبت جنگ می‌کنند که ما با هواپیما و... می‌ایم چنین می‌کنیم، این هم جدید نیست. در گذشته هم آمریکایی‌ها بارها در حرف‌های خودشان تهدید می‌کردند که همه گزینه‌ها روی میز است. همه گزینه‌ها یعنی از جمله گزینه جنگ. این را همیشه می‌گفتند. حالا این آقا هم همینطور مرتباً ادعا می‌کند که بله ما نا آوردیم و چه کردیم و...

به نظر من ملت ایران را از این چیزها نباید ترسانند. ملت ایران تحت این حرف‌ها قرار نمی‌گیرد. از برخورد حق نمی‌هراسد. ما شروع کننده نیستیم. ما به کسی ظلم نمی‌خواهیم بکنیم. به کشوری حمله نمی‌خواهیم بکنیم. اما در مقابل آن کسی که طمع داشته باشد و حمله بخواهد بکند و اذیت بکند، ملت ایران مشّت محکمی به او خواهد زد.

البته این را هم آمریکایی‌ها بدانند که اگر این دفعه جنگ راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

مسئله تقابل آمریکا و ایران در دو کلمه خلاصه میشود: آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد، ملت رشید ایران و جمهوری اسلامی مانع است.



به مناسبت چهل و هشتمین پیروزی انقلاب اسلامی

**آمریکایی‌ها
بدانند
اگر این دفعه
جنگ
راه بیندازند
این جنگ
جنگ منطقه‌ای
خواهد بود**



انقلاب اسلامی

بعثت دوباره

از طلوع اسلام تا غروب نظم آمریکا محور

علی طهرانی

این تجربه تاریخی امروز تنها یک خاطره قدسی نیست، بلکه الگویی تحلیلی برای فهم تحولات معاصر است. اگر بعثت نخست، نظم جاهلی را درهم شکست و تمدنی نو پدید آورد، می‌توان استدلال کرد که جهان کنونی نیز در آستانه نوعی «بعثت دوباره» قرار گرفته است؛ بعثتی نه در قالب نزول وحی، بلکه در قالب احیای منطق اسلامی در برابر نظم رو به افول غربی.

نظم مالی تحت رهبری آمریکا را با فرسایش تدریجی مواجه کرده است.

سوم، ظهور و تثبیت قدرت‌های مستقل یا تجدیدنظرطلب. چین در حال بازتعریف جغرافیای اقتصاد جهانی است، روسیه علی‌رغم فشارها حذف نشده، و بازیگرانی مانند هند، برزیل و ایران در پی گسترش حاشیه استقلال راهبردی خود هستند. چهارم، بحران مشروعیت هنجاری غرب. استانداردهای دوگانه در حوزه حقوق بشر، ناتوانی در حل بحران‌هایی چون فلسطین، و تضعیف کارکرد نهادهای بین‌المللی، مشروعیت اخلاقی نظم موجود را به شدت فرسوده است.

■ ائتلاف‌های نوظهور و کاهش تمرکز قدرت

از نگاه غرب، بازیگران مخالف این روندها ذیل عناوینی چون «قدرت‌های مخرب» تعریف می‌شوند. اما از زاویه‌ای دیگر، می‌توان آنان را مجموعه‌ای ناهمگون اما همگرا در جهت کاهش تمرکز قدرت در دست یک هژمون واحد دانست. این همگرایی بیش از آنکه ایدئولوژیک باشد، مبتنی بر منافع مشترک است: مخالفت با تحریم‌های ابزاری، حمایت از چندقطبی‌شدن، و مقاومت در برابر مداخلات نظامی و تغییر رژیم.

■ جایگاه متمایز جمهوری اسلامی

در میان این بازیگران، جمهوری اسلامی صرفاً یک قدرت منطقه‌ای تجدیدنظرطلب نیست، بلکه حامل یک منطق هنجاری بدیل نیز هست. گفتمان نفی سلطه، حمایت از مستضعفان و پیوند سیاست با دین، به کنش خارجی ایران بُعدی فراتر از رقابت صرف قدرت می‌دهد. از این منظر، چالش ایران با نظم موجود، چالشی مبنایی در سطح مشروعیت و معنا نیز هست، نه فقط موازنه قوا.

بعثت دوباره به مثابه استعاره تحول نظم جهان

بعثت نخست نشان داد که حتی در تاریک‌ترین شرایط، امکان شکل‌گیری نظامی متفاوت وجود دارد. امروز نیز «بعثت دوباره» را می‌توان استعاره‌ای برای احیای منطق دانست که سیاست را با عدالت و کرامت انسانی پیوند می‌زند. تغییر نظم جهانی صرفاً حاصل جابه‌جایی قدرت‌های مادی نیست، بلکه نتیجه بحران مشروعیت نظم موجود و ظهور گفتمان‌های بدیل است.

■ جمع بندی

جهان در حال حرکت از نظامی متمرکز و آمریکامحور به سوی وضعیتی سیال‌تر و چندمرکزی است. این تحول صرفاً جابه‌جایی قدرت مادی نیست، بلکه با بحران مشروعیت و معنا در نظم موجود پیوند خورده است. در چنین شرایطی، مفهوم بعثت می‌تواند به مثابه استعاره‌ای راهبردی فهم شود: ورود یک منطق بدیل به صحنه جهانی که توانایی بازتعریف هنجارها، روابط قدرت و افق‌های آینده را دارد.

بعثت پیامبر اسلام صرفاً یک رخداد مذهبی در جغرافیای محدود حجاز نبود؛ نقطه عطفی در تاریخ جهان بود. در فضایی که به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) «فَالْهَدْيُ خَامِلٌ وَالْغَمَى شَامِلٌ»، بعثت به معنای ورود منطقی تازه به عرصه تاریخ بود؛ منطقی که معیار قدرت، منزلت اجتماعی، مناسبات اقتصادی و حتی معنای زندگی را دگرگون ساخت. جامعه‌ای که بر قبیله، زور، ثروت و تبعیض استوار بود، با پیام توحید، عدالت و کرامت انسان، وارد مسیر یک دگرگونی تمدنی شد. اسلام صرفاً عبادات را سامان نداد؛ بلکه ساختار قدرت، روابط اجتماعی و افق معنایی حیات بشر را بازتعریف کرد.

این تجربه تاریخی امروز تنها یک خاطره قدسی نیست، بلکه الگویی تحلیلی برای فهم تحولات معاصر است. اگر بعثت نخست، نظم جاهلی را درهم شکست و تمدنی نو پدید آورد، می‌توان استدلال کرد که جهان کنونی نیز در آستانه نوعی «بعثت دوباره» قرار گرفته است؛ بعثتی نه در قالب نزول وحی، بلکه در قالب احیای منطق اسلامی در برابر نظم رو به افول غربی.

■ جاهلیت دیروز و صورت مدرن آن

وضعیتی که پیامبر در آن مبعوث شد، سرشار از خشونت، نابرابری، فساد اخلاقی و سلطه‌گری بود. با تغییر صورت‌بندی مفهومی، بسیاری از این مؤلفه‌ها در مقیاس جهانی امروز نیز قابل مشاهده‌اند: سلطه قدرت‌های بزرگ بر ملت‌های ضعیف، عادی‌سازی جنگ و تحریم، تعمیق شکاف‌های طبقاتی، و استفاده ابزاری از علم، رسانه و نهادهای بین‌المللی برای تثبیت سلطه.

تفاوت اصلی در شکل است، نه در ماهیت. استعمار مستقیم جای خود را به سلطه مالی و نهادی داده، و بت‌های سنگی به شبکه‌های قدرت سرمایه‌سالار و مجتمع‌های نظامی-رسانه‌ای تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، نظم لیبرال آمریکامحور را می‌توان تجلی مدرن منطقی دانست که بر برتری‌طلبی، حق ویژه برای قدرت مسلط و دوگانگی در اجرای قواعد استوار است.

■ نشانه‌های افول نظم آمریکامحور

نظم پساجنگ سرد که بر هژمونی ایالات متحده، برتری دلار و مداخله‌گری نظامی استوار بود، اکنون با بحران‌های ساختاری مواجه است.

نخست، فرسایش هژمونی سیاسی و امنیتی آمریکا. جنگ اوکراین نشان داد که واشنگتن دیگر قادر به تحمیل سریع و کم‌هزینه اراده خود نیست و رقابت قدرت‌های بزرگ وارد مرحله‌ای فرسایشی شده است.

دوم، چالش‌های اقتصادی و مالی. استفاده گسترده از تحریم‌ها، انگیزه کشورها برای ایجاد سازوکارهای جایگزین تجاری و مالی را افزایش داده است؛ از پیمان‌های پولی دوجانبه تا تلاش برای کاهش وابستگی به دلار. این روند، ستون فقرات

طلبه طالب شهادت

روایت زیست و سلوک طلبه‌ی شهید میلاد میداودی



مربی شهید میلاد میداودی

«در ماه‌های پایانی، تغییر عجیبی در او دیده می‌شد؛ آرام‌تر، عمیق‌تر و پخته‌تر. خودش گفته بود که زیارت مشهد و روزهای رمضان، تأثیر زیادی بر حال و هوایش گذاشته است. دو شب پیش از شهادتش، به زیارت شهدای گمنام رفت و کنار مزار آنان گفت: «این شهدا هم هم سن ما بودند.»»

در روز پایانی، باید حاصل کار را تحویل می‌دادند. با وجود کم‌کاری برخی از اعضای گروه، میلاد مسئولیت را بر عهده گرفت، مطالب را تکمیل کرد و در نهایت یک فایل PDF منسجم و مرتب آماده و تحویل حوزه داد؛ بی‌هیچ گله یا توفعی. در عین حال، در گفتار بسیار متواضع بود و با وجود آنکه از نظر سنی بزرگ‌تر بود، همواره با احترام صحبت می‌کرد و در بحث‌ها کوتاه می‌آمد.

روحیه کمک‌رسانی و دلسوزی او، تنها به مسائل درسی محدود نمی‌شد. برای دوستانی که مشکلی پیش می‌آمد، میلاد با پیگیری و حوصله برای رفع آن تلاش می‌کرد. او اطلاعات عمومی بالایی داشت و در زمینه‌های مختلف می‌توانست با تسلط صحبت کند. بعدها نیز در روابط دوستانه، هرچه بیش‌تر جلو می‌رفتیم، این حس مسئولیت‌پذیری و محبت در رفتار او پررنگ‌تر می‌شد.

میلاد در فعالیت‌های فرهنگی نیز بسیار فعال بود. در دوره‌ای که فشار کار زیاد بود، پیگیری هم‌زمان سه مدرسه را بر عهده داشت. یک روز، با وجود فشردگی برنامه‌ها، مسیر طولانی را طی کرد تا یکی از دوستانش را به مقصد برساند؛ کاری که باعث شد خودش دیر به برنامه بعدی برسد، اما حاضر نشد همراهش را تنها بگذارد. اگر حتی یک روز، به دلیل خستگی یا فراموشی، کاری از او انجام نمی‌شد، تمام روز ناراحت بود و خود را مقصر می‌دانست. این میزان دغدغه، نشان از اخلاص او در کار فرهنگی داشت.

در ماه‌های پایانی، تغییر عجیبی در او دیده می‌شد؛ آرام‌تر، عمیق‌تر و پخته‌تر. خودش گفته بود که زیارت مشهد و روزهای رمضان، تأثیر زیادی بر حال و هوایش گذاشته است. دو شب پیش از شهادتش، به زیارت شهدای گمنام رفت و کنار مزار آنان گفت: «این شهدا هم هم‌سن ما بودند.»

دو روز بعد، در مسیر دفاع از انقلاب و مردمش، به فیض عظیم شهادت نائل آمد و جالب اینکه تاریخ شادتش، شب تدفین همان شهدای گمنام بود. شهید میلاد میداودی رفت، اما خاطره معنویت، اخلاق، دغدغه، تواضع و مسئولیت‌پذیری‌اش در ذهن دوستانش باقی ماند؛ جوانی که عمر کوتاهش را درست زندگی کرد و عاقبت در زمان کم، سربلند به مقصد رسید.

شهید والامقام، میلاد میداودی، متولد یازدهم خرداد ۱۳۸۵، از جمله جوانانی بود که با وجود عمر کوتاه، زندگی پربار و معناداری داشت. نوزده سال بیش‌تر نداشت، اما در همین فرصت محدود، مسیر رشد علمی، دینی و فرهنگی را با جدیت و اخلاص طی کرد. او از همان سال‌های نوجوانی، روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر، منظم و دغدغه‌مند داشت و همین ویژگی‌ها باعث شد در جمع دوستان و هم‌کلاسی‌ها، فردی قابل اعتماد و اثرگذار باشد.

میلاد پس از پایان دوران دبیرستان، وارد حوزه علمیه شد. حضور در حوزه برای او صرفاً یک انتخاب تحصیلی نبود، بلکه ادامه مسیری بود که از پیش با علاقه به دین، مطالعه، فعالیت فرهنگی و ارتباط با مسجد آغاز کرده بود. در درس، دقیق و منظم بود و جزوه‌نویسی‌هایش زبانزد دوستانش؛ نوشته‌هایی زیبا، دسته‌بندی‌شده و همراه با مثال که نشان از حوصله، دقت و احترام او به علم داشت. با این حال، هرگز خود را بالاتر از دیگران نمی‌دید و همواره با تواضع رفتار می‌کرد.

یکی از خاطرات ماندگار از او، به ایام ماه مبارک رمضان و سفر طلبگی به مشهد مقدس بازمی‌گردد. در آن سفر، که در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه‌السلام) سپری شد، طلاب موظف بودند در یک دوره شرح‌نویسی شرکت کنند. حوزه برای این منظور، طلاب را به گروه‌های سه‌نفره تقسیم کرده بود و یکی از طلاب، هم‌گروه شهید میلاد میداودی بود. در کنار روزمذاری و استفاده از فضای معنوی حرم، باید دوره‌ای آموزشی درباره مقاله‌نویسی را نیز به صورت کلیپ دنبال می‌کردند و هم‌زمان جزوه آن را می‌نوشتند.

هوای مشهد در روزهای پایانی سرد شده بود. در یکی از روزها، بیرون از سالن نشسته بودند و دوستان مشغول دیدن کلیپ‌ها و نوشتن مطالب بودند. پس از پایان کار، جزوه‌ها را با هم مقایسه کردند. تفاوت کاملاً آشکار بود؛ نوشته‌ها و جزوه میلاد بسیار دقیق، منظم، جدول‌بندی‌شده و همراه با مثال‌ها و تصاویر استخراج‌شده از کلیپ‌ها بود. این میزان دقت و وسواس علمی، تحسین‌برانگیز بود و نشان می‌داد که او در انجام هر کاری، نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد.

«سراب سایه‌ها»

درنگی در ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱

نویسنده: مهدی محمدی

کتاب «سراب سایه‌ها» نوشته مهدی محمدی و منتشرشده توسط نشر سوره مهر، روایتی مستند و تحلیلی از پشت پرده‌ی تحولات سیاسی و امنیتی حوادثی است که در سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد. نویسنده با زبانی دقیق و روشمند، به بررسی شبکه‌های نفوذ، جنگ نرم و عملیات روانی دشمنان جمهوری اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه برخی جریان‌ها، با ظاهری موجه و جذاب، در مسیر تغییر باورها و تضعیف اراده‌ی جامعه حرکت می‌کنند.

این اثر تنها به روایت حوادث بسنده نمی‌کند، بلکه با تحلیل ریشه‌ها، اهداف و پیامدهای این جریان‌ها، خواننده را به درک عمیق‌تری از سازوکار قدرت در دنیای امروز می‌رساند. ساختار منسجم، استناد به منابع معتبر و نگاه انتقادی اما منصفانه، «سراب سایه‌ها» را به کتابی قابل اتکا برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه‌ی سیاست، امنیت و رسانه تبدیل کرده است.

با خواندن این کتاب به روشنی می‌توان دریافت که فتنه اخیر و حتی حوادث دهه‌ی اخیر، صرفاً جنبش‌های خود جوش و مردمی نبودند که به یک‌باره و برنامه‌ریزی نشده اتفاق بیفتند. بلکه نتیجه‌ی تدارک دشمن ایران اسلامی در چندین لایه‌ی شناختی، رسانه‌ای، امنیتی، فرهنگی و ... بودند که از مدت‌ها پیش از حادث شدن چنین حوادثی برنامه‌ریزی شده بودند.

